Journal of Islamic Human Rights
Volum 1, Consecutive Number 1, 2024
Journal Homepage: https://islamichumanrights.ir/
This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.

Pardon of Prisoners in the Light of Human Dignity and Islamic Human Rights

Mahmoud Abbasi[1*], Meysam Kalhornia Golkar[2]

1. Head of Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran; Head of International Human Dignity Think Tank, Tehran, Iran. dr.abbasi@sbmu.ac.ir
2. Researcher of Institute of Bioethics and Health Law, Tehran, Iran; General Director of International Human Dignity Think Tank, Tehran, Iran.

Abstract

The pardon of prisoners is one of the significant and functional institutions within the framework of criminal policy and criminal justice, which, beyond its legal and judicial aspects, is intertwined with fundamental concepts such as human dignity and human rights. At first glance, pardon functions as a mechanism for mitigating or removing punishment in specific cases; however, at a deeper level, it reflects the commitment of legal systems to the principle of inherent human dignity and the possibility of an individual's reintegration into social life. From the perspective of Islamic human rights, pardon is not merely a governmental measure but is rooted in revelatory foundations, Qur'anic teachings, and the Prophetic and Alawite traditions, wherein forgiveness, clemency, and the restoration of the offender's personality are emphasized in light of human dignity. Adopting a descriptive–analytical approach, this article examines the relationship between pardon and human dignity, as well as its status within the system of Islamic human rights. The findings indicate that pardon in Islamic thought, in addition to its individual and moral dimensions, also carries social and legal functions and can serve as an effective tool for reducing social harms, promoting restorative justice, and safeguarding the rights of prisoners. In the Islamic Republic of Iran, the recent approach of the judiciary, known as "criteria-based pardon," which is designed not on the basis of individual cases and titles but rather upon general standards with regard to critical opportunities for social reintegration, represents a step forward in upholding human dignity and adherence to Islamic human rights. Finally, the study underscores the necessity of institutionalizing the process of granting pardons and employing it as an instrument for social reintegration and the realization of human dignity within Iran's criminal policy.

Keywords: Pardon, Human Dignity, Islamic Human Rights, Criminal Justice, Prisoners

- Abassi, M., Kalhornia Golkar, M. (2024). Pardon of Prisoners in the Light of Human Dignity and Islamic Human Rights, *Journal of Islamic Human Rights*, 1(1), 1-19.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

مجله حقوق بشر اسلامی
اندیشکده بین‌المللی کرامت انسانی ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی

مجله حقوق بشر اسلامی
دورهٔ اول ـ شمارهٔ اول ـ ۱۴۰۳
صفحات ۱-۱۹ (مقاله پژوهشی)
تاریخ: دریافت ۱۴۰۳/۰۹/۲۴ـ پذیرش ۱۴۰۳/۱۱/۰۷ ـ انتشار ۱۴۰۳/۱۱/۲۶

عفو زندانیان در سنجه کرامت انسانی و حقوق بشر اسلامی

محمود عباسی[1*]، میثم کلهرنیاگلکار[2]

۱. رییس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، رییس اندیشکده بین‌المللی کرامت انسانی، تهران، ایران. dr.abbasi@sbmu.ac.ir
۲. پژوهشگر انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت و مدیر کل حوزه ریاست اندیشکده بین‌المللی کرامت انسانی، تهران، ایران.

چکیده

عفو زندانیان ازجمله نهادهای مهم و کارکردی در منظومه سیاست جنایی و عدالت کیفری است که فراتر از جنبه‌های حقوقی و قضایی، با مفاهیم بنیادینی چون کرامت انسانی و حقوق بشر گره خورده است. در نگاه نخست، عفو به مثابه سازوکاری برای تخفیف یا رفع مجازات در موارد خاص به کار می‌رود، اما در سطحی عمیق‌تر، بیانگر التزام نظام‌های حقوقی به اصل حرمت ذاتی انسان و امکان بازگشت او به حیات اجتماعی است. از منظر حقوق بشر اسلامی، عفو نه صرفاً یک اقدام حکومتی، بلکه ریشه در مبانی وحیانی، آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی و علوی دارد؛ جایی که گذشت، بخشش و احیای شخصیت بزهکار در پرتو کرامت انسانی مورد تأکید قرار گرفته است. این مقاله با رویکردی توصیفی ـ تحلیلی، به تبیین نسبت عفو با کرامت انسانی پرداخته و جایگاه آن را در نظام حقوق بشر اسلامی بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عفو در اندیشه اسلامی، علاوه بر جنبه فردی و اخلاقی، دارای کارکرد اجتماعی و حقوقی بوده و می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در کاهش آسیب‌های اجتماعی، ارتقای عدالت ترمیمی و تضمین حقوق زندانیان عمل کند. در جمهوری اسلامی ایران، رویکرد جدید قوه قضاییه تحت عنوان «عفو معیاری» که نه بر مبنای عناوین و مصداق‌های فردی، بلکه براساس معیارهای کلی با امعان نظر به بزنگاه‌های مستعد بازاجتماعی شدن تنظیم گردیده است، گامی رو به جلو در راستای پاسداشت کرامت انسانی و پایبندی به حقوق بشر اسلامی شمرده می‌شود. در پایان، بر ضرورت ضابطه‌مند ساختن فرآیند اعطای عفو و استفاده از آن به‌عنوان ابزار بازاجتماعی‌سازی و تحقق کرامت انسانی در سیاست جنایی ایران تأکید شده است.

کلیدواژه: عفو، کرامت انسانی، حقوق بشر اسلامی، عدالت کیفری، زندانیان

- عباسی، محمود؛ کلهرنیاگلکار، میثم. (۱۴۰۳). عفو زندانیان در سنجه کرامت انسانی و حقوق بشر اسلامی، مجله حقوق بشر اسلامی، ۱(۱)، صفحات ۱-۱۹.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

مقدمه

موضوع عفو زندانیان از دیرباز در کانون توجه اندیشمندان حقوقی، فقیهان و سیاست‌گذاران کیفری قرار داشته است (شهید اول، ۱۴۱۱ ق؛ نجفی، ۱۳۶۲؛ اردبیلی، ۱۳۸۲؛ آخوندی، ۱۳۸۵). عفو، در معنای حقوقی خود، به منزله اقدامی حاکمیتی برای بخشودن یا تخفیف مجازات تلقی می‌شود (قدسی و سجودی، ۱۳۸۶: ۱۷۴)، اما در سطحی عمیق‌تر با مبانی فلسفی و اخلاقی عدالت و به‌ویژه با اصل بنیادین کرامت انسانی پیوند خورده است. زندانی هرچند مرتکب بزهی شده و درنتیجه محکوم به تحمل کیفر گردیده است، اما همچنان واجد حیثیت ذاتی و حقوقی است که از منظر حقوق بشر نباید مخدوش گردد. ازاین‌رو، عفو نه صرفاً یک امتیاز یا عطیه حکومتی، بلکه سازوکاری برای بازشناسی انسانیتِ بزهکار و فراهم‌سازی امکان بازگشت او به اجتماع محسوب می‌شود.

از منظر حقوق بشر اسلامی، عفو جایگاهی والاتر دارد؛ چرا که آموزه‌های قرآنی و سنت معصومان (ع) بخشش، گذشت و احیای بزهکار را در پرتو کرامت انسانی مورد تأکید قرار داده‌اند (جهدی، ۱۳۹۵: ۱۲۳–۵۷). اصل «و لَقَدْ کَرَّمْنا بَنِی آدَمَ» (اسراء/۷۰) مبنای جهان‌شمولی است که براساس آن، حتی بزهکار نیز از شرافت انسانی خویش محروم نمی‌گردد. سیره نبوی و علوی نیز سرشار از نمونه‌هایی است که در آن عفو به‌مثابه راهبردی برای اصلاح و تربیت اجتماعی به کار گرفته شده است.

در جهان معاصر، هم‌زمان با گسترش گفتمان حقوق بشر، نهاد عفو به‌عنوان ابزاری برای تحقق عدالت ترمیمی و انتقالی (Jeffery, 2014; Mallinder, 2008) و بازاجتماعی‌سازی محکومان اهمیت دوچندان یافته است (جمشیدی و خواجه نوری، ۱۴۰۲: ۳۲). به‌عنوان نمونه‌ای در اسناد بین‌المللی، بند ۴ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به این مهم تصریح دارد که «هر محکوم به اعدامی حق خواهد داشت که درخواست عفو یا تخفیف مجازات بنماید. عفو عمومی یا عفو فردی یا تخفیف مجازات اعدام در تمام موارد ممکن است اعطا شود». در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز، با الهام از مبانی اسلامی و مستند به اصل ۷۱ و بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، علاوه بر امکان عفو از طریق قانونگذاری، عفو زندانیان به‌ویژه در مناسبت‌های مذهبی و ملی مورد توجه قرار می‌گیرد که این خود نشانه‌ای از التزام به روح کرامت انسانی در کالبد سیاست جنایی است.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

با وجود این، پرسش‌های مهمی در سنجه نهاد عفو در وزنه کرامت انسانی و حقوق بشر اسلامی کماکان قابل طرح است که پاسخ به آن‌ها می‌تواند اثربخشی کاربست این نهاد و اجرای صحیح آن را بیش از پیش تضمین نماید. اینکه جایگاه عفو در نظام عدالت کیفری با امعان نظر به الزامات کرامت انسانی و مبانی حقوق بشر اسلامی چیست؟ چگونه می‌توان میان ضرورت اجرای مجازات و احترام به کرامت انسانی توازن برقرار کرد؟ و چه سازوکارهایی می‌تواند از تبدیل عفو به امری صرفاً سیاسی، سلیقه‌ای یا عامل تضعیف اجرای قانون جلوگیری نماید؟ لذا این مقاله در پی آن است که با تکیه بر مبانی نظری و مستندات حقوق بشر اسلامی، به تحلیل و ارزیابی این پرسش‌ها پرداخته و چشم‌اندازی شایگان برای بهره‌گیری ضابطه‌مند از نهاد عفو در نظام حقوقی ایران ارائه دهد.

در این میان نیم‌نگاهی نیز به تحولات رویکرد عفو خصوصی در نظام حقوقی ایران به ویژه «عفو معیاری» که با پیشنهاد رئیس قوه قضاییه و موافقت رهبر انقلاب اسلامی مواجه گردیده و بیش از هفت هزار محکوم را مورد پوشش قرار داده است، و خصایص و ملاحظات آن از چشم‌انداز حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی خواهیم داشت.

۱) مبانی نظری و مفهومی

عفو در لغت به معنای بخشودن، گذشت کردن و بخشایش و گذشت آمده است (معین، ۱۳۸۶) و ازجمله، معانی مختلف دیگری چون آمرزیدن و درگذشتن از گناه، عقوبت ناکردن مستحق عذاب، گذشت کردن بر کسی و ترک کردن مجازاتی را که شایسته آن است و خودداری از مؤاخذه او، جرم از کسی فرو گذاشتن و ... برای آن ذکر شده است. (دهخدا، ۱۳۸۷)

در قرآن کریم در آیات متعددی از عفو و مشتقات آن استفاده گردیده است (نظیر بقره/۲۳۷،۱۰۹،۲۸۶، اعراف/۱۹۹؛ آل عمران/۱۳۴،۵۲،۱۵۹؛ حج/۶۰) ؛ و معانی گوناگونی نظیر سقوط حق، آمرزش و گذشتن از گناه و ترک مجازات و بخشیدن طلب از آن اراده شده و به‌طورکلی بیشترین معنای قابل افاده از آن گذشتن و بخشودن و بخشایش از گناه و خطا (از سوی خدا یا خلق) است.

در قلمرو نظام حقوقی، برحسب مرجع اعطاکننده، عفو به دو نوع عفو عمومی و عفو خصوصی تقسیم شده است. عفو عمومی اقدامی است که در آن پاره‌ای از جرایم و

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

مجازات‌ها بنا به دلایل و مصالح سیاسی و اجتماعی، مورد گذشت حاکمیت قرار گرفته و به‌طور رسمی به دست فراموشی سپرده می‌شود (هاشمی، ۱۳۸۶: ۸۱) این نوع عفو در صلاحیت مرجع قانونگذاری است. در این خصوص، ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود.» از سوی دیگر، عفو خصوصی ابزاری است که در قانون برای ابراز حس عطوفت و شفقت نسبت به محکومان تعبیه شده است و با اعطای آن تمام یا قسمتی از مجازات بخشوده می‌شود. عفو خاص، درواقع نوعی گذشت همراه با منت و تفضل است و کسی که مشمول آن می‌شود در حقیقت استحقاق آن را ندارد و به همین دلیل فقط بالاترین مقام هر کشور یا سرزمین با استفاده از اختیار خود آن را اعطا می‌کند. (علی‌آبادی، ۱۳۵۲: ۴۰۱؛ قدسی و سجودی، ۱۳۸)

علاوه بر بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه را از وظایف و اختیارات رهبری می‌داند، در ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی در این باره تأکید شده است: «عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است».

از طرف دیگر، حقوق بشر اسلامی را می‌توان منظومه‌ای هنجاری دانست که بر پایه وحی الهی، آموزه‌های قرآنی و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) بنا شده است. حقوق بشر اسلامی نمایانگر حقوقی برای انسان است که با ملاحظه شأن و منزلت و غایت او در جهان، انتظام یافته است. (عباسی و کلهرنیاگلکار، ۱۴۰۳: ۱) این نظام، برخلاف الگوی سکولار حقوق بشر که عمدتاً بر قرارداد اجتماعی یا عقلانیت عرفی استوار است، بر فطرت انسانی و اراده تشریعی خداوند مبتنی است. در این چارچوب، انسان موجودی است آزاد و مختار که به‌عنوان «خلیفةالله» بر زمین، واجد جایگاهی ویژه و حقوقی اصیل است. این حقوق نه اکتسابی و قراردادی، بلکه ذاتی و فطری‌اند و هرگونه تعرض به آن‌ها، به معنای نادیده گرفتن شأن الهی انسان است (مطهری، بی‌تا: ۲۵۳-۲۴۷). کرامت انسانی در این میان جوهره و نقطه کانونی حقوق بشر اسلامی محسوب می‌شود (سلیمی، ۱۳۹۰: ۱۶۱). آیه «وَ لَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِی آدَمَ» (اسراء/۷۰) گواه این است که کرامت ذاتی به همه انسان‌ها اعطا

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

شده است، فارغ از دین، نژاد یا طبقه اجتماعی آنان. این کرامت، بنیاد حقوق و آزادی‌های اساسی در اندیشه اسلامی را شکل می‌دهد و به مثابه رکن رکین حقوق بشر اسلامی، به تمامی قواعد و نهادهای حقوقی معنا و جهت می‌بخشد.

بدین‌ترتیب، کرامت انسانی نه‌تنها مبنای نظری بسیاری از حقوق مانند حق حیات، آزادی و امنیت است، بلکه معیار سنجش مشروعیت محدودیت‌ها و مداخلات حاکمیتی نیز به شمار می‌رود. از این منظر، نهاد عفو زندانیان نیز باید در پرتو کرامت انسانی تفسیر شود. عفو صرفاً تصمیمی اداری یا سیاسی نیست، بلکه تجلی احترام به شأن ذاتی محکومان و یادآوری این حقیقت است که مجرم نیز در بنیان وجودی خود، برخوردار از کرامت انسانی است. بدین‌سان، پیوند میان حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی به گونه‌ای است که هر بحثی درباره عفو و سیاست جنایی و چگونگی آن با نظرداشت تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در حقوق بشر اسلامی به ویژه با تکیه بر کرامت انسانی شایسته اعتنا است.

۲) تراوایی عفو زندانیان و کرامت انسانی

عفو، به مثابه یکی از نهادهای دیرپای حقوق کیفری و سیاست جنایی، فراتر از یک ابزار صرف در مدیریت زندان یا تخفیف بار کیفری، بازتابی از نگرش انسان‌مدارانه نظام حقوقی به شأن و منزلت ذاتی انسان است. درواقع، ارتباط پیوسته عفو با پاسداشت کرامت بشری آن را به مکانیزمی اخلاقی و انسانی تبدیل می‌کند که توانایی عبور از مرزهای سنتی مجازات را دارد و به ابعادی عمیق‌تر چون بازشناسی شخصیت فرد، امکان بازسازی هویت اجتماعی و حفظ ارزش‌های بنیادین انسانی گره می‌خورد. از منظر کرامت انسانی، هر انسان ـ ولو در وضعیت ارتکاب جرم ـ از حیثیت و شأنی ذاتی برخوردار است که قابل زوال یا اسقاط نیست (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

عفو در این چارچوب، نماد به رسمیت شناختن این حقیقت است که جرم، اگرچه رفتاری قابل نکوهش و مستوجب پاسخ اجتماعی است، اما نمی‌تواند تمامیت هویت فرد را تعریف کند. عفو به منزله فرصتی برای بازاندیشی و بازگشت به جامعه، ظرفیت آن را دارد که گفتمان کیفری را از سطح انتقام و سزادهی صرف به سطحی تعالی‌بخش از عدالت ترمیمی و اصلاح‌محور ارتقا دهد. به همین دلیل، عفو نماد و بیانگر انعطاف‌پذیری حقوق در پرتو کرامت انسانی است؛ انعطافی که از یک‌سو مانع فروکاست انسان به «مجرم» صرف می‌شود و

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

از سوی دیگر، نظام عدالت کیفری را به ارزش‌های اخلاقی، دینی و حقوق بشری متصل می‌سازد. این نگاه، عفو را نه استثنایی بر مجازات، بلکه تکمله‌ای بر آن و ضرورتی در راستای غایت نهایی حقوق بشر اسلامی که صیانت از کرامت ذاتی انسان‌هاست می‌داند.

۱-۲. فلسفه عفو از منظر صیانت از شأن انسانی

مداخلات در قبال بزهکاران، علاوه بر مبنای علمی، دارای لایه‌های هنجاری نیز هستند و لذا نمی‌توان پرسش‌های اخلاقی را از مباحث مربوط به بهترین شیوه‌های اصلاحی، منفک ساخت. سنگ‌بنای چشم‌انداز اخلاقی وسیعی که از خلال آن بتوان به رویکردی جامع در قبال اصلاح بزهکاران دست یازید، مفهوم کرامت انسانی و صیانت آن از رهگذر هنجارها و نظریه‌های حقوق بشری خواهد بود.(Ward, 2008: 112)

عفو به مثابه ارزشی اخلاقی و فضیلتی فردی، لازمه تداوم حیات اجتماعی دانسته می‌شود (تهرانی، ۱۴۰۲: ۱۴۳) و با تکیه بر کرامت و شأن انسانی شرایط بازگشت و بازاجتماعی شدن افراد و ایجاد آرامش معنوی در جامعه را فراهم می‌آورد. لذا عفو در بطن خود بیش از آنکه صرفاً یک نهاد حقوقی باشد، حامل بار اخلاقی و انسانی است. فلسفه وجودی عفو در این نکته نهفته است که بزهکار هرچند مرتکب جرم شده و مستوجب مجازات است، اما شأن ذاتی و کرامت انسانی او هرگز ساقط نمی‌شود. آموزه‌های اسلامی و حقوق بشر اسلامی بر این حقیقت تأکید دارند که انسان حتی در اوج خطا و لغزش نیز واجد حیثیت ذاتی است. عفو، در این چارچوب، ضمن اینکه ملازم با چشم‌پوشی صرف از جرم نیست، بلکه بازشناسی منزلت انسان و اعلام این پیام است که جامعه و نظام حقوقی، او را هنوز در مدار انسانیت می‌بیند. بدین‌سان، عفو کارکردی کرامت‌مدار دارد که می‌تواند فاصله میان بزهکار و جامعه را کاهش داده و امید به بازگشت را در او زنده نگاه دارد. این امر درخصوص زندانیان که در بن‌بست و نشیبی سخت از زندگی خود قرار دارند می‌تواند حس فرصت دوباره و بازگشت به آغوش اجتماع را تقویت کند.

۲-۲. عفو به‌عنوان سازوکاری برای اصلاح و بازاجتماعی‌سازی زندانیان

یکی از چالش‌های بنیادی نظام‌های کیفری، تبدیل زندان به محیطی جرم‌زا و تولیدکننده بزهکاری ثانویه است. درواقع، ساختار بسته و فشارهای روانی و اجتماعی حاکم بر زندان،

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

همراه با تماس مستمر زندانیان با بزهکاران حرفه‌ای، می‌تواند زمینه «یادگیری جرم» و تشکیل خرده‌فرهنگ بزهکارانه را فراهم آورد. این مسئله سبب شده است که بسیاری از جرم‌شناسان، ازجمله در چارچوب «نظریه برچسب‌زنی»، زندان را نه به‌عنوان ابزار اصلاح، بلکه به‌عنوان «دانشگاه جرم» توصیف کنند.

از این منظر، عفو می‌تواند کارکردی اصلاحی و بازاجتماعی‌ساز داشته باشد؛ چراکه آزادی زودهنگام یا تخفیف مجازات، در حکم «شوک مثبت» برای زندانی عمل کرده و او را به بازاندیشی در رفتارهای گذشته سوق می‌دهد. این امر، هنگامی مؤثر خواهد بود که عفو با ارزیابی دقیق از میزان اصلاح فرد، شرایط اجتماعی او و ظرفیت بازگشت وی به جامعه همراه گردد. درواقع، عفو به‌مثابه ابزار سیاست جنایی باید با هدف بازاجتماعی‌سازی تعریف شود، نه صرفاً تخلیه زندان‌ها. چنین نگاهی همسو با اصول عدالت ترمیمی است که به جای تمرکز صرف بر کیفر، بازسازی روابط اجتماعی، احیای اعتماد و بازگرداندن فرد به جامعه را هدف قرار می‌دهد.

۳-۲. نقد دیدگاه‌های صرفاً کیفری و مجازات‌محور

در مقابل رویکرد کرامت‌مدار به عفو، دیدگاه‌های سنتی و مجازات‌محور وجود دارند که بر قاطعیت و حتمیت مجازات تأکید افراطی می‌ورزند. این نگاه، جرم را صرفاً نقض هنجار و مجازات را تنها پاسخ مشروع تلقی می‌کند و هرگونه عفو یا تخفیف را تضعیف‌کننده بازدارندگی می‌داند. نقد اساسی این رویکرد آن است که با نادیده گرفتن شأن انسانی مجرم، مجازات را از هدف اصلاحی و اجتماعی آن تهی می‌سازد و در نهایت به انباشت زندان‌ها و بازتولید بزهکاری منجر می‌شود. تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است که سیاست‌های صرفاً کیفری نه‌تنها مانع افزایش جرم نمی‌شوند، بلکه با تحمیل هزینه‌های سنگین اجتماعی و اقتصادی، کارآمدی نظام عدالت کیفری را نیز کاهش می‌دهند.

البته توجیه مجازات، موضوعی نیست که بتوان در چارچوب یک نظریه، از آن به بحث و گفتگو پرداخت و درواقع بخشی از جذابیت فلسفه مجازات این است که می‌توان از نظرگاه‌های کاملاً متفاوتی، با آن مواجه شد اعم از آنکه در برابر آن، رویکرد گذشته‌نگر یا آینده‌نگر اتخاذ کرد و توجه اصلی را به مصلحت اجتماعی یا عدالت فردی معطوف داشت، یا اینکه، مجرم یا مجنی‌علیه کانون توجه قرار گیرند (کاتینگهام، ۱۳۷۶: ۲۰۶)؛ اما به هر تقدیر

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

نفوذ اصل حیثیت و کرامت انسانی توجه به مجرمین و شرایط آن‌ها را در مجازات‌ها به یکی از ملاحظات اصلی در مواجهه نظام عدالت کیفری در قبال جرم مبدل نموده است.

از منظر حقوق بشر اسلامی، دیدگاه صرفاً کیفری و مجازات محور به ویژه تأکید افراطی بر حبس، با فلسفه عدالت رحمانی و اصل کرامت انسانی ناسازگار است؛ چرا که در این نگرش، مجازات وسیله‌ای برای اصلاح و بازگشت است، نه صرفاً کیفر رساندن. بنابراین، نقد دیدگاه‌های مجازات‌محور و جایگزینی آن با رویکردی متوازن و کرامت‌مدار، شرط تحقق عدالت کیفری کارآمد و انسانی است.

۳. عفو در نظام حقوق بشر اسلامی

حقوق بشر اسلامی با ابتنا بر وحی الهی و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) و متأثر از اصل محوری کرامت و حرمت انسان، بر فضیلت عفو و گذشت نیز تأکید می‌ورزد. آموزه‌های قرآنی همچون «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا» (بقره: ۱۰۹) و «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (بقره/۲۳۷) و نیز سیره نبوی و علوی، نشانگر پیوند وثیق عفو با ارزش‌های اخلاقی و کرامت انسانی است. بدین‌ترتیب، عفو در نظام حقوق بشر اسلامی فراتر از ابزار حاکمیتی، تجلی عدالت رحمانی است که در آن، کیفر به گونه‌ای مدیریت می‌شود که ضمن حفظ نظم اجتماعی، امکان تکریم و بازسازی شخصیت بزهکار و بازگشت او به جامعه فراهم آید.

به عبارت دیگر، عفو در اندیشه اسلامی، صرفاً یک نهاد حقوقی یا تصمیم اداری محدود به حوزه قضایی نیست و ریشه در مبانی عمیق وحیانی و آموزه‌های اخلاقی اسلام دارد. برخلاف نگرش‌های بیشتر مصلحت اندیشانه و حقوقی یا ابزاری به عفو، در نظام حقوق بشر اسلامی این نهاد به‌عنوان تجلی کرامت ذاتی انسان و امکان بازگشت او به حیات اجتماعی سالم مورد تأکید قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، عفو بیش از آنکه راهکاری برای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها یا تخفیف در مجازات‌ها به شمار می‌رود، وسیله‌ای برای احیای شخصیت بزهکار، ترمیم پیوندهای اجتماعی و تحقق عدالت ترمیمی خواهد بود. در همین راستا، منابع اسلامی اعم از قرآن کریم و روایات معصومان، همواره بر ارزش‌هایی چون گذشت، رحمت و احیای انسان خطاکار تأکید کرده‌اند؛ ارزش‌هایی که امروز نیز می‌توانند در قالب سیاست‌های جنایی معاصر، به ویژه در حمایت از حقوق زندانیان و تضمین شأن انسانی آنان، کارکرد مؤثری داشته باشند. از سوی دیگر، اسناد

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

حقوق بشری اسلامی همچون «اعلامیه قاهره حقوق بشر در اسلام» نیز عفو را به‌عنوان جلوه‌ای از التزام دولت‌های اسلامی به کرامت انسان‌ها و رعایت موازین عدالت در فرآیند کیفری مورد توجه قرار داده‌اند. بر این اساس، بررسی عفو در نظام حقوق بشر اسلامی مستلزم واکاوی هم‌زمان مستندات قرآنی و روایی، کارکردهای حقوقی و اجتماعی آن در حمایت از زندانیان، و جایگاهش در اسناد بین‌المللی اسلامی است که در ادامه به تبیین شمایی از هریک پرداخته می‌شود.

۱-۳. مستندات قرآنی و روایی در حیطه عفو مجرمین

عفو و گذشت از خطاکار، یکی از مهمترین آموزه‌های قرآن کریم و سنت نبوی است که ورای روابط فردی و فضائل اخلاقی، در حوزه عدالت کیفری نیز کارکردی راهبردی دارد.

قرآن کریم در آیات متعددی عفو را برتر از مقابله به مثل دانسته است آن‌طورکه می‌فرماید: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (شوری/۴۰)؛ به این معنا که کیفر بدی، بدی همانند آن است، اما هرکس عفو کند و در جهت اصلاح گام بردارد، پاداش او بر عهده خداست. این آیه، به‌روشنی نشان می‌دهد که عفو در منطق قرآن نه به معنای چشم‌پوشی منفعلانه، بلکه اقدامی سازنده در مسیر اصلاح فرد و جامعه است.

از منظری دیگر، قرآن کریم عفو را نشانه‌ای از فضیلت اخلاقی و عامل تعالی روح انسان می‌داند: «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (بقره/۲۳۷). این بیان قرآنی نشان می‌دهد که عفو علاوه بر کارکرد اجتماعی، اثری معنوی دارد و فرد و جامعه را به تقوا و کرامت نزدیک می‌سازد.

قرآن کریم به صراحت عفو را برای تخفیف و معافیت از مجازات‌های سنگین، حسنه‌ای برای مؤمنین می‌داند آن‌طورکه می‌فرماید، «فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ. (بقره: ۱۷۸) چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست بخواهد درگذرد کاری است نیکو، پس قاتل دیه را در کمال خشنودی ادا کند. در این حکم، تخفیف (امر قصاص) و رحمت خداوندی است».

در قرآن توصیه شده است به «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» یعنی به نیکویی گذشت کن؛ از امام علی علیه‌السلام در مقام تفسیر این آیه منقول است که «صفح جمیل، عفو بدون عتاب و سرزنش مجرم است». (طبرسی، ۱۴۱۵)

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

سنت پیامبر و ائمه هُدی نشان می‌دهد که بخشش و بزرگواری (هر کجا که ضرورت بزرگ‌تری وجود نداشته) خصیصه بارز زیست آنان در اجتماع و در برابر خطاکاران بوده است و پیروان خود را نیز به این رفتار ترغیب می‌نموده‌اند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «اِنّا اَهْلُ بَیتٍ، مُرُوَّتُنا الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَنا» (مجلسی، ۱۴۱۴: ۴۳۷) ما خاندانی هستیم که، جوانمردی ما گذشت از کسی است که به ما ستم کرده است. امام جعفر صادق (علیه‌السلام) در وصیت خود به عبدالله بن جندب می‌فرمایند: «وَ اعْفُ عَمَنْ ظَلَمَکَ کما اَنکَ تُحِبُ اَنْ یعْفی عَنْکَ». (مجلسی، ۱۴۱۴: ۲/ ۲۸۴) از شخصی که به شما ستم کرده گذشت نمایید، همان‌طورکه دوست دارید دیگران از شما گذشت نمایند.

امام علی (ع) نیز در عهدنامه خود به مالک اشتر چنین می‌نگارند: «وَیُؤْتَی عَلَی أیْدِیهِمْ فِی الْعَمْدِ وَالْخَطَأِ، فَأعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِکَ وَصَفْحِکَ مِثْلَ الَّذِی تُحِبُّ وَ تَرْضَی أنْ یُعْطِیَکَ اللهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ» ... و (گناهان و خطاهایی) به دست آنان در عمد و خطا پدید می‌آید؛ پس از عفو و گذشت خود به آنان عطا کن، همان‌گونه که دوست داری و خشنود می‌شوی خداوند از عفو و گذشت خویش به تو عطا کند. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام سرشار از نمونه‌های عملی در عفو و گذشت نسبت به خطاکاران است. پیامبر اکرم (ص) در فتح مکه، با وجود توانایی کامل بر مجازات مخالفان، آنان را مورد عفو عمومی قرار داد و فرمود: «اذهبوا فأنتم الطلقاء» (طبری؛ ۱۳۸۷: ۶۱)؛ بروید که شما آزادشدگان هستید. این اقدام بزرگ تاریخی، نه‌تنها نشان از رحمت و گذشت پیامبر داشت، بلکه درسی جاودان در ترجیح کرامت و شأن انسانی و بازگرداندن مجرمان به جامعه بود. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز در عهدنامه مالک اشتر، کارگزاران حکومت را به عفو و گذشت توصیه کرده و می‌فرماید: «اگر بر دشمنت دست‌یافتی، بخشیدن او را شکرانه پیروزی قرار ده.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۱). همچنین امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه سجادیه، در دعای مکارم‌الاخلاق، از خداوند می‌خواهد که او را به زینت عفو و بخشش دیگران آراسته گرداند.

تمامی این ادبیات و شواهد نشان می‌دهد که عفو هم در عرصه فردی، هم در سطوح اجتماعی و سیاسی، پیوندی ناگسستنی با کرامت انسانی که زیربنای حقوق بشر اسلامی است، دارد. بدین‌گونه، قرآن و سنت اسلامی عفو را نه صرفاً یک گزینه اخلاقی، بلکه به‌عنوان یک اصل بنیادین در سیاست کیفری اسلام به تصویر می‌کشند؛ اصلی که هدف

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

آن، صیانت از حرمت انسانی بزهکار و گشودن مسیر بازگشت او به حیات سالم اجتماعی است.

۲-۳. تحلیل کارکرد عفو در تأمین حقوق زندانیان

از منظر کارکردی، عفو می‌تواند سه نقش مهم در تأمین حقوق زندانیان ایفا کند: نخست، کاهش تبعات حقوقی و اجتماعی حبس که آزادی و شأن انسانی فرد را به شدت مخدوش می‌سازد؛ دوم، گشودن دریچه‌ای برای بازاجتماعی‌سازی و اصلاح بزهکار به جای استمرار در چرخه طرد و انزوا؛ و سوم، بازگرداندن امید به زندگی و اعتماد به نظام عدالت از رهگذر تجربه رحمت و گذشت. این سه کارکرد، در نهایت، کرامت زندانی را احیا کرده و از او فردی توانمند برای بازگشت به جامعه می‌سازد.

از دیدگاه حقوق بشر اسلامی نیز، عفو به مثابه ابزاری برای تضمین حقوق زندانیان است. حق برخورداری از فرصت اصلاح، حق رهایی از شرایط غیرانسانی زندان، و حق بازگشت به حیات اجتماعی، همگی در پرتو نهاد عفو قابلیت تحقق می‌یابند. به بیان دیگر، عفو می‌تواند تعادل میان ضرورت حفظ نظم اجتماعی و الزام به پاسداشت شأن ذاتی انسان را برقرار سازد. درنتیجه، کارکرد عفو در تأمین حقوق زندانیان را می‌توان به منزلهٔ پُلی میان کرامت انسانی و عدالت کیفری دانست؛ پلی که از یک‌سو با ریشه‌های وحیانی و اخلاقی در اسلام مستحکم شده و از سوی دیگر با مقتضیات حقوق بشری و اجتماعی معاصر همخوانی دارد.

۳-۳. جایگاه عفو زندانیان در اعلامیه قاهره حقوق بشر در اسلام

در عرصه حقوق بشر اسلامی، سند بین‌المللی «اعلامیه قاهره حقوق بشر در اسلام» (۱۹۹۰) شایان توجه و تمرکز است. در بحث حاضر، هرچند این سند به‌طور مستقیم و صریح از نهاد «عفو» به‌عنوان یک سازوکار قضایی نام نمی‌برند، اما مبانی و اصولی را بنیان نهاده و جهاتی را متذکر می‌شود که به‌طور ضمنی مستلزم شناسایی و تقویت و به‌کارگیری نهاد عفو زندانیان است.

در اعلامیه قاهره، در ماده ۱ کرامت و شرافت انسانی به‌عنوان اصل بنیادین معرفی شده و تأکید می‌شود که همه انسان‌ها در شأن و منزلت برابرند. همچنین در ماده ۱۹ بر ضرورت

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

عدالت، دادرسی منصفانه و ممنوعیت مجازات‌های غیرانسانی و خارج از قلمرو شرع تأکید شده است. این اصول، زمینه نظری لازم برای گرایش به نهاد عفو را فراهم می‌آورند؛ زیرا عفو می‌تواند به‌عنوان تجلی عملی کرامت انسانی، ابزاری برای کاهش رنج فزاینده زندانیان و اصلاح فرآیندهای عدالت کیفری تلقی شود.

در ماده بیستم این اعلامیه آمده است: «دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید، یا مجازات هر انسانی جایز نیست مگر به مقتضای شرع. و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او به گونه‌ای حقارت‌آمیز یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی، رفتار کرد». لذا در ایجاد محدودیت برای آزادی انسان و شکنجه روحی (که مجازات حبس اغلب متضمن آن است) باید به قدر متیقن اکتفا کرد.

بنابراین، می‌توان گفت که جایگاه عفو در این سند، هرچند به شکل مستقیم تبیین نشده، اما در پرتو اصولی همچون کرامت ذاتی انسان، عدالت، منع مجازات‌های ظالمانه، آزادی و رفع عوامل سالب آن، به فراست قابل استنتاج است.

٤. نقدها و راهبردها پیرامون کاربست نهاد عفو زندانیان

با وجود کارکردهای مثبت نهاد عفو در نظام‌های حقوقی و سیاسی، و ابتنای آن بر موازین حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی، بهره‌گیری از این رویکرد همواره با چالش‌ها و نقدهایی مواجه بوده است که در صورت بی‌توجهی می‌تواند به تضعیف کارآمدی عدالت کیفری و نقض اصول بنیادین حقوق بشر بینجامد.

برایند نقدهای وارد بر نهاد عفو نشان خواهد داد که بهره‌گیری بهینه از آن مستلزم رعایت دقیق اصولی چون شفافیت، تناسب، نظارت و تفکیک میان مصالح فردی و اجتماعی است تا این نهاد بتواند ضمن پاسداشت کرامت انسانی، جایگاه خود را در چارچوب عدالت کیفری حفظ کرده و از انحراف در مسیر کارکردهای مشروع خود مصون بماند.

٤-١. امکان سوء استفاده از نهاد عفو و سستی در قاطعیت نظام عدالت کیفری

نخستین چالش در بهره‌گیری از عفو زندانیان به امکان سوء استفاده از نهاد عفو مربوط می‌شود. عفو، به دلیل ماهیت استثنایی و مبتنی بر ملاحظات فردی، ممکن است به ابزاری

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

برای جلب منافع سیاسی، مصلحت‌گرایی‌های کوتاه‌مدت یا اعمال نفوذهای غیرحقوقی بدل گردد. چنین رویکردی نه‌تنها موجب کاهش بازدارندگی و قاطعیت نظام عدالت کیفری می‌شود، بلکه می‌تواند پیام منفی به جامعه مخابره کند مبنی بر اینکه جرایم ارتکابی، هرچند شدید، نهایتاً با سازوکاری غیرقضایی مشمول گذشت قرار می‌گیرند. این وضعیت احتمال بی‌اعتمادی شهروندان به عدالت کیفری و تضعیف کارکرد بازدارنده مجازات‌ها را افزایش می‌دهد.

برای جلوگیری از این معضل، لازم است عفو تنها در چارچوب شرایط قانونی مشخص و به صورت استثنایی اعطا شود. تشکیل کمیته‌های تخصصی مرکب از قضات، جرم‌شناسان و روان‌شناسان برای بررسی پرونده‌های مشمول عفو، می‌تواند امکان نفوذ عوامل غیرحقوقی را کاهش داده و عفو را به تصمیمی حقوقی ـ کارشناسی تبدیل نماید. رویکرد اخیر قوه قضاییه درخصوص پایه‌گذاری نظام عفو معیاری که در آن اعطای عفو نه براساس سلایق شخصی یا مصالح سیاسی، بلکه بر مبنای شاخص‌ها و معیارهای روشن، قابل ارزیابی و عینی است، گامی رو به جلو در این حیطه محسوب می‌شود.

۲-٤. تمیز مرز میان عدالت کیفری و کرامت انسانی

چالش دوم، تمایزگذاری میان عدالت کیفری و کرامت انسانی است. در حالی که عفو می‌تواند نشانه‌ای از رحمت و تکریم انسان باشد، افراط یا تفریط در اعمال آن ممکن است موجب اخلال در تحقق عدالت گردد. از یک سو، نادیده گرفتن ظرفیت عفو، عدالت کیفری را به حوزه‌ای خشک، بی‌انعطاف و فاقد بعد انسانی تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، گشادستی و استفاده افراطی از عفو می‌تواند عدالت را قربانی سازد و حقوق بزه‌دیدگان و مطالبات اجتماعی برای اجرای کیفر را تحت‌الشعاع قرار دهد. بنابراین، نقطه تعادل میان تضمین کرامت انسانی زندانی و حفظ اقتدار عدالت کیفری از مهم‌ترین مسائل نظری و عملی پیرامون این نهاد است.

راه‌حل این چالش در گرو اهتمام به برقراری تعادل میان مصالح فردی و اجتماعی است. این امر از طریق تعیین معیارهایی چون میزان گذشت بزه‌دیده، اصلاح‌پذیری محکوم، و تأثیر عفو بر امنیت عمومی ممکن می‌شود. همچنین می‌توان با الزام نهادهای قضایی به ارائه دلایل مکتوب و مستند درخصوص اعطای عفو یا ایجاد محدودیت در آن، تضمین کرد

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

که کرامت انسانی زندانی پاس داشته شود، بی‌آنکه عدالت کیفری و حقوق بزه‌دیدگان مخدوش گردد.

۳-٤. لزوم شفافیت و ضابطه‌مند بودن اعطای عفو

چالش سوم، به لزوم شفافیت و ضابطه‌مند بودن اعطای عفو باز می‌گردد. اعطای عفو اگر در بستری مبهم، بدون معیارهای مشخص و فاقد امکان نظارت عمومی صورت گیرد، زمینه بروز شائبه تبعیض، فساد یا اعمال سلیقه را فراهم می‌سازد. ازاین‌رو، بسیاری از نظام‌های حقوقی معاصر کوشیده‌اند تا با تعیین معیارهای عینی و روشن همچون نوع جرم، میزان مجازات تحمل‌شده، وضعیت زندانی (سن، جنس و شرایط خانوادگی)، رفتار زندانی، یا مصالح اجتماعی، فرآیند اعطای عفو را از حالت صرفاً شخصی و سیاسی خارج کرده و به نهادی مبتنی بر ضوابط حقوقی و قابل ارزیابی تبدیل نمایند. درواقع، ضابطه‌مندی و شفافیت نه‌تنها تضمین‌کننده سلامت این نهاد است، بلکه مانع از خدشه به اعتماد عمومی نسبت به نظام عدالت کیفری می‌شود.

نتیجه‌گیری

عفو زندانیان، در منظومه حقوقی و اخلاقی، فراتر از یک نهاد شکلی یا رویکرد ابزاری، نماد رأفت، صیانت از کرامت و بازگشت به مدار انسانیت است. در سنت اسلامی، همان‌گونه که آیات قرآن بر «عفو و صفح» تأکید می‌کنند و سنت و سخن پیشوایان دین بر آن صحه می‌گذارند، متناظر آن بخشش در سازواره حقوق کیفری نیز به مثابه فرصتی برای بازسازی پیوند انسان با جامعه و زدودن غبار کیفر از چهره کرامت انسانی است.

در نظام جمهوری اسلامی ایران به رغم کاربست دو نوع عفو عمومی و عفو خاص براساس قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی، تحولی ملموس در این زمینه پدیدار شده است. بر این اساس، پیشنهاد عفو اخیر از سوی قوه قضاییه که مقارن با ولادت پیامبر اعظم (ص) و امام جعفر صادق (ع) با موافقت رهبر انقلاب اسلامی مواجه گردیده و بیش از هفت هزار محکوم را دربر گرفته، به‌عنوان نمونه‌ای از «عفو معیاری» نه بر مبنای عناوین و مصداق‌های فردی، بلکه براساس معیارهای کلی با امعان نظر به بزنگاه‌های مستعد بازاجتماعی شدن تنظیم گردیده است.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

این رخداد، مجالی فراهم آورد تا با نگاهی تحلیلی و نقدی چندجانبه از منظر کرامت انسانی و حقوق بشر اسلامی، فلسفه مجازات‌ها، سیاست جنایی و رویکرد عفو زندانیان از زاویه دید نگارنده مورد واکاوی قرار گیرد.

کرامت انسانی جوهره حقوق بشر اسلامی و نگین رکابِ نظام حقوقی مبتنی بر آموزه‌های دینی است. انسان در نگاه توحیدی، مخلوقی آزاد و مختار است که اسارت و حبس او تنها در تنگنای ضرورت، معذور است. زندان، اگرچه در حقوق کیفری ابزار پاسخ به بزهکاری است، لیکن در بطن خود نوعی محروم‌سازی از آزادی ـ به مثابه اساسی‌ترین حق انسان ـ محسوب می‌شود. ازاین‌رو، رویکرد تقلیلِ زندان به آخرین حربه نظام عدالت کیفری، همسو با اصل کرامت انسانی به شمار می‌رود.

عفو گسترده اخیر را در کشور ما می‌توان پژواکی از اهتمام به کرامت انسانی در دستگاه قضایی دانست؛ گویی نظام قضایی، در برابر سنگینی بار زندان‌ها و تبعات سهمگین آن، مسیری تازه برای آزادی و بازاجتماعی شدن افراد برگزیده است. این اقدام به‌ویژه با تمرکز بر سالمندان، افراد آسیب‌پذیر و مجرمین بی‌تجربه و فاقد سابقه، کسانی که بخش مهمی از محکومیت خود را سپری کرده‌اند و مجرمینی که تحولات مثبتی در منش آن‌ها نمایان شده است، معنایی فراتر از تخفیف مجازات دارد و نشانه‌ای از احترام به شأن ذاتی انسان و آزادی او در پناه قانون دارد.

باری در فلسفه حقوق کیفری، مجازات‌ها تنها با اهداف مشروع خود توجیه‌پذیرند: بازدارندگی، اصلاح و بازاجتماعی شدن. اگر زندان به محیطی تبدیل شود که خود زمینه بازتولید بزهکاری را فراهم کند، به‌واقع از فلسفه وجودی خویش فاصله گرفته است. در این میان، عفو و آزادی زودهنگام می‌تواند به‌عنوان «شوک مثبت» مسیر بازگشت به جامعه را تسهیل کند.

اما نکته‌ای اساسی این است که عفو باید در خدمت هدف اصلاح و پیشگیری از جرم باشد، نه جایگزینی برای ضعف سیاست جنایی. اگر نظام کیفری، به جای پالایش دایره عناوین مجرمانه و طراحی مجازات‌های متناسب، به انباشت زندانیان و سپس عفوهای گسترده روی آورد، این وضعیت نشانگر خلأ راهبردی در عرصه تقنین و سیاست‌گذاری است.

یکی از جلوه‌های بارز چالش در نظام کیفری ایران، کثرت بیش از چهار هزار عنوان مجرمانه و تلنبار شدن آن روی دست مجریان قانون و نظام قضایی کشور است؛ آماری که

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

در مقایسه با کشورهایی همچون فرانسه با پیشینه قانونگذاری به مراتب طولانی‌تر با کمتر از هزار عنوان مجرمانه، بیانگر تورم کیفری و عدم شفافیت سیاست جنایی است. تورم کیفری با انباشت افراط‌گونه عناوین مجرمانه نه‌تنها در نیل به تحقق نظم اجتماعی و پالایش ناهنجاری‌ها ناکام می‌ماند که مسیر طبیعی عدالت را نیز مسدود می‌کند و نتیجه آن، پرشدن زندان‌ها و سپس توسل به عفوهای گسترده برای تخلیه این انباشت است.

در چنین شرایطی، هرچند عفو اخیر فی‌نفسه اقدامی مثبت در جهت حبس‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری است، اما نمی‌تواند جایگزین اصلاح بنیادین سیاست جنایی شود. عفو، مرهمی موقت است، نه درمانی ریشه‌ای. اصلاح واقعی نیازمند بازنگری در قوانین کیفری، کاهش عناوین مجرمانه یا تنزل و استحاله آن‌ها در قالب تخلفات، جایگزینی مجازات‌های اجتماعی به جای زندان و توجه دوچندان به اصل تناسب جرم و مجازات است.

از دریچه‌ای دیگری باید به خاطر سپرد که حقوق کیفری نه‌تنها باید کرامت‌مدار باشد، بلکه باید بر اصل قاطعیت و حتمیت نیز استوار بماند. عدالت کیفری هنگامی کارآمد است که بزهکار بداند جرم بدون پاسخ نمی‌ماند و مجازات نه به صورت نمادین، بلکه به‌عنوان واقعیتی حتمی اعمال خواهد شد. اگر عفوهای گسترده به‌گونه‌ای باشد که تصور فرار از کیفر در ذهن بزهکاران شکل گیرد، فلسفه بازدارندگی مجازات‌ها تضعیف خواهد شد.

بنابراین، تعادل میان «عفو»، «عدالت» و «قاطعیت» ضرورت دارد؛ این تعادل باید در سیاست جنایی انعکاس یابد تا هم کرامت انسانی محفوظ بماند و هم امنیت و نظم اجتماعی مخدوش نگردد.

در مجموع، کاربست نهاد عفو زندانیان و ازجمله عفو معیاری اخیر را می‌توان گامی ارزشمند در جهت انسانی‌تر کردن نظام عدالت کیفری در ایران دانست. این اقدام با کاهش جمعیت کیفری و فراهم کردن زمینه بازاجتماعی شدن، جلوه‌ای از پاسداشت کرامت انسانی را در مشی قوه قضاییه نمایان ساخت. با این حال راهکار پایدار، تدوین سیاست جنایی مبتنی بر کرامت انسانی است که از یک‌سو با کاهش عناوین مجرمانه و جایگزینی مجازات‌های اجتماعی، از حبس‌گرایی بکاهد، و از سوی دیگر با قاطعیت و حتمیت در اجرای مجازات‌های ضروری، نظم و بازدارندگی را تضمین نماید. در این صورت، عفو به جای آنکه ابزار جبرانی برای تراکم زندانیان باشد، به‌عنوان نماد رأفت و کرامت، جایگاه واقعی خود را در نظام عدالت کیفری بازخواهد یافت.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

منابع

- قرآن کریم.
- امام علی ابن‌ابیطالب. نهج‌البلاغة (ترجمه: محمد دشتی). قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیهم‌السلام.
- آخوندی، محمود. (۱۳۸۵). آئین دادرسی کیفری (چاپ دوازدهم، جلد ۱). تهران: سازمان چاپ و انتشارات ارشاد.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی (چاپ ششم، جلد ۲). تهران: انتشارات میزان.
- تهرانی، مجتبی. (۱۴۰۲). اخلاق الاهی، جلد ششم. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جهدی، محمدعلی. (۱۳۹۵). عفو در آیات قرآن و روایات معصومین (ع). (چاپ اول). تهران: آشینا، فن آذر.
- خواجه‌نوری، یاسمن و جمشیدی، زهرا. (۱۴۰۲). رویکرد بشرگرایانه مبتنی بر حقوق بنیادین زندانیان. دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۲، ۴۸-۲۳.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سلیمی، عبدالحکیم. (۱۳۹۰). اصول نظری حقوق بشر در اسلام. نشریه معرفت حقوقی، شماره ۲.
- صادق‌پور، طیبه. (۱۳۸۶). کرامت انسان در قرآن. نشریه بینات، شماره ۸۳.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ ق). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (ج. ۶). تحقیق: لجنة من العلماء والمحققین الأخصائیین. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۷). تاریخ الأمم والملوک. ط. ۲، جلد ۳، بیروت: دارالتراث.
- عباسی، محمود و کلهرنیاگلکار، میثم. (۱۴۰۳). فلسفه حقوق بشر اسلامی در چشم‌انداز آموزه‌های وحیانی. مجله حقوق بشر اسلامی، دوره یک، شماره یک، ۱۳-۱.
- علی‌آبادی، عبدالحسین. (۱۳۵۲). حقوق جنایی. تهران: چاپخانه بانک ملی.
- قدسی، سیدابراهیم و سجودی، سیدرضا. (۱۳۸۶). عفو در حقوق کیفری ایران و بررسی فقهی آن. مطالعات اسلامی، شماره ۷۵، ۱۷۴-۱۳۱.
- قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۸۷). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کاتینگهام، جان (ترجمهٔ: محمدرضا ظفری). (۱۳۷۶). فلسفه مجازات. مجله نقد و نظر، دوره ۳، شماره ۱۲، ۲۰۷-۱۷۸.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ ق). بحارالأنوار. ط. ۲، جلد. ۷۱. و جلد ۷۸، بیروت: مؤسسة الوفاء.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]

- مطهری، مرتضی. (بی‌تا). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. قم: انتشارات صدرا.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین (یک جلدی فارسی). چاپ ۳. تهران: انتشارات زرین.
- مکی عاملی، محمد بن جمال‌الدین (شهید اول). (۱۴۱۱). اللمعة الدمشقیة. تهران: انتشارات یلدا.
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (چاپ هفتم، جلد ۴۱). بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: حاکمیت و نهادهای سیاسی، چاپ هفدهم، جلد دوم.

References

- Mallinder, L. (2008). Amnesty, human rights and political transitions, Hart Publishing.
- Jeffery, R. (2014). Amnesties, accountability, and human rights. University of Pennsylvania Press.
- Ward, T. (2009). Dignity and human rights in correctional practice. European Journal of Probation, 1(2), 112-127.

[Downloaded from islamichumanrights.ir on 2026-08-24]